

حکمتیست ۱۵۱

۶ مارس ۲۰۱۷ - ۱۶ اسفندماه ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود



**در ۸ مارس
روز جهانی زن
با یکدیگر
همصدا و
همگام و متحد
شویم تا پرچم
علیه نابرابری
اقتصادی و ستم
بر زن، علیه
مردسالاری و
برای آزادی و
برابری را
برافرازیم ...**

پیش تلاش جریانات و دولتهای
خاورمیانه و قطبهای شکل
گرفته در دل بحران خاورمیانه
برای سهم بری در تناسب قوای
جدید و بازتعریف توازن بعد از
جنگ داعش در جریان است.

صفحه ۳



دردانگی بی جهت قانون کار

مصطفی اسرپور صفحه ۴



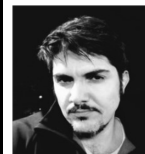
حکمتیست میپرسد: توطئه علیه اپوزیسیون در کردستان عراق

جمهوری اسلامی از مجاهدین
خلق گرفته تا احزاب و گروههای
مستقر در کردستان عراق و
صدها انسان منفرد و مخالف
جمهوری اسلامی از فعالیتهای
تروریستی جمهوری اسلامی در
امان نبوده اند و در این مدت
علاوه بر حمله مستقیم به
اردوگاههای مجاهدین و سایر
احزاب صدها نفر از مخالفین
رژیم را در کردستان عراق ترور
کرده اند.

امروز دامنه این فشارها وارد
فاز جدیدی میشود. اینکه
جمعی، فراکسیونی یا افرادی در
پارلمان عراق خواهان تصویب
قانونی مبنی بر خلع سلاح
اپوزیسیون ایران شود، بیان فاز
جدیدی نه تنها مبنی بر فشار
به این اپوزیسیون، بلکه از
معادله قدرت در عراق است.
توجه داشته باشید که از مدتها

حکمتیست: حزب حکمتیست
در اطلاعیه اخیر خود نسبت به
مخاطراتی که آینده بخشی از
اپوزیسیون جمهوری اسلامی
مستقر در کردستان عراق را
تهدید میکند هشدار داده است.
طبق این اطلاعیه دامنه این
فشارها وارد فاز جدیدی
میشود. بنا به کدام دلایل و
فاکت ها به یک فاز جدید اشاره
کرده اید و منظور از این فاز
جدید چیست؟

خالد حاج محمدی: تهدید
اپوزیسیون جمهوری اسلامی
مستقر در عراق امر جدیدی
نیست. بیش از دو دهه است که
کل عراق و از جمله کردستان
عراق به محل فعالیت جمهوری
اسلامی و سازمان اطلاعات و
سپاه قدس و ... تبدیل شده
است. در این پروسه اپوزیسیون



اپیزودی از گوشه سفید جهان

فواد عبداللہی

در حالیکه هر ساعت هزاران سناریوی هولناک توسط
رسانه های بورژوازی در جهان ما ساخته پرداخته
میشوند؛ در حالیکه چپ و راست داعش های غربی
همچون ترامپ و فاراژ و لوین و ... در حال عروج اند
و با گستاخی تمام تلاش میکنند فجایع در جریان را
”طبیعی“ جلوه دهند و آنگونه که منافعشان اقتضا
میکند به ذهن مخاطب تزریق بکنند؛ در حالیکه
میخواهند به حیات گنبدیده سرمایه داری و سیاهی
چهره تبعیض آلود جهانی که برایمان ترسیم کرده اند
عادتمان دهند؛ در حالیکه تبلیغ استیصال، قهقرا و
ناامنی نقطه اشتراک کل این دستگاه مخوف است؛
اما ”بنکسی“ محبوب، بنکسی گرافیتیست رادیکال،
تیری به قلب دیوار تبعیض و جداسازی دولت
اسرائیل، به قلب آپارتاید مذهبی و نژادی این نظام
زد.

در شهر بیت لحم واقع در کرانه باختری رود اردن،
جایی که دولت مذهبی و جنایتکار اسرائیل سالهاست
دیوار آپارتاید بین فلسطینیان و اسرائیلیها کشیده
است، بنکسی هتلی به اسم ”محصور“ Walled
off طراحی کرده است. مجسمه ها و تابلوهایی که وی
به شکلی زیبا و هنرمندانه در این هتل بتصویر
کشیده است در نقد جداسازی و یادآور جنگهای نژادی
و مذهبی و نهایتا آوارگی انسانها و بویژه فلسطینی
ها است. بنکسی پیشاپیش مقدم همه انسانها در
همه نقاط جنگزده جهان را به این هتل گرامی داشته
است. ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

ایزودی از...

رود. این تنها نوک کوه یخ عظیمی است که در اعماق اقیانوس جوامع بشری در حال ذوب شدن و حرکت به سمت سیل های خروشان اعتراضی است. در برابر آنها که کمر به قطع اکسیژن از جوامع بشری بسته اند قطعا باید ایستاد و هیچ چیز مشروع تر از این مقاومت نیست. اعتراضات وسیع بشریت متمدن در غرب طی همین چند ماهه گذشته تاکنون خود گواه غریزه پویای مقاومت بشریت مترقی در برابر به قدرت خزیدن داعش های غربی از ترامپ ها و ترزا می ها تا لوپین ها و فیلدرزها است. در وای عریده کشیهای راست افراطی، اردوی انسانیت و مدنیت مشغول بازیافتن خود و دست بردن به نقد نظام حاکم بر جهان امروز است. نسلی که امروز بمیدان آمده خاطره چندانی از دوران جنگ سرد ندارد، نسلی است که در آتش و خون، در غروب "نظم نوین جهانی" و وادادگی دموکراسی پارلمانی چشم به جهان گشوده است و آزادی و برابری و رفاه میخواهد. نسلی که تجربه حاکمیت ژاندارمها را چشیده است، "رامبو" های این نظام را دیده است، ویران کنندگان

این اقدام بنکسی نشان داد که کمتر کسی خودخواسته شریک تصویر تباه شده از جهان ما توسط ژورنالیسم غربی است. کمتر انسان شرافتمندی حتی در خلوت خود روایت حاکمین از داستان "زندگی" بشر آنهم در این منجلاب قرن ۲۱ را "طبیعی" میپندارد و تاب می آورد. بنکسی بین دو راهی تن دادن به وضع موجود یا تعرض به ساحت وضع موجود، پا در مسیر دومی گذاشته است. بنابراین، روایت ها همیشه هم سیاه و تلخ نیستند و این کلاژهای رسانه های غربی همراه با تعرض حاکمین هم تاریخ مصرفی دارند. اما روایت ما از همین ابراز وجودها و مقاومت های سفید از پایین در برابر دنیای سیاه حاکمین در بالا آغاز میشود. مقاومتی که زمانی علیه یورش داعش به کویانی شکل گرفت و هم اکنون علیه تاریخ جنایات جنگی دولت اسرائیل توسط بنکسی ها و پینک فلویدها منعکس میشود و همزمان در دل جوامع غربی از جانب بشریت متمدن علیه اسکاندال و افسارگسیختگی راست افراطی به پیش می

International Women's Day

زنده باد ۸ مارس



8

March

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

در ۸ مارس امسال باید یکبار دیگر، جامعه را متوجه موقعیت زنان کنیم. باید فریاد امر رهایی زن در جامعه منعکس شود. جامعه صدای انسانیت را از زنان آزادیخواهی بشنود که خواستار تغییر جهان به نفع زنان و برای اشتغال، بیمه بیکاری، حق پوشش و لغو آپارتاید جنسی و برای برابری اقتصادی و رهایی سیاسی و اجتماعی هستند.

دولتی، و جنگ و بمباران همه بدوش ما سوسیالیست ها و کمونیستها قرار گرفته است. کوهی از کار در عرصه ای بوسعت تمامی جهان در برابر ماست. بنکسی نگاه متفاوتش راجع به اوضاع جهان را به رخ مخاطب میکشد. نگاهی اومانستی به همراه جهانیینی خاصی که میگوید به دنیا: پایان دادن به سیاهی و تاریکی، انتخابی است میان تن دادن به وضع موجود یا تعرض به ساحت وضع موجود!

ماکسیمالیستی مارکس را میطلبند. نقد همه جانبه ای را میطلبند که احزاب و گرایشاتی همچون ما حکمتیست ها و کمونیسم کارگری آنرا نمایندگی میکند. امروز نه تنها برابری و لغو استثمار نظام کار مزدی بلکه بحکم شرایط عینی جهان امروز، امر آزادی و رهایی و مدنیت در هر سطحی، خلاصی از شر مذهب و قومی گری و ناسیونالیسم و نژادپرستی و زن ستیزی و میلیتاریسم و تروریسم دولتی و غیر

خانه و کاشانه مردم، ترتیب دهندگان کودتاها، یوگوسلاویزه کردن جوامع بشری، تغذیه جریانبات باند سیاهی همچون طالبان و جمهوری اسلامی و داعش را دیده است، و پشتیبانی قدرت های عظیم از جنایات دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین را در حافظه اش ثبت کرده است. این نسل از محرومین و مقاومت کنندگان، این نسل از کارگران صنعتی معترض به نظم موجود، مارکسیسم و رادیکالیسم و اومانیسم

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!

توطئه ای علیه ...

عراق یکی از مراکز جنگ و جدال برای بازتعریف نقش و جایگاه دولتهای مرتجع منطقه و حامیان بین المللی آنها است. جنگ موصل دیر یا زود در شکل کنونی خاتمه خواهد یافت و اما جنگ برای سهم نیروهای درگیر با داعش و بعد از تصرف موصل، در راه است. جنگی که از مدتها پیش زنگ خطر آن برای هر نیروی جدی ای به صدا در آمده است. ما در این مدت بارها بر سر مخاطراتی که جان مردم عراق و آینده آنها را بعد از جنگ موصل و در مورد خود جنگ موصل و اهداف نیروهای درگیر که به نام "ائتلاف علیه داعش" به مردم جهان میفروشند، هشدار داده ایم و سعی کرده ایم حقایق پشت این جنگ را به بشریت نشان دهیم.

طرح خلع سلاح اپوزیسیون و حتی شایعه وجود چنین امری در دل این اوضاع روی میدهد. امروز در مورد نفس چنین طرحی، اطلاعات و بحثهای متفاوتی مطرح است. اما مستقل از درجه صحت و سقم چنین طرحی، یک واقعیت بزرگتر در کل منطقه و از جمله عراق در جریان است که مطرح شدن چنین طرحی را ممکن میکند. تا جایی که به عراق برگردد دولت حاکم به عنوان متحد جمهوری اسلامی در تلاش یکسره کردن قدرت در عراق است. تلاش برای یک کاسه کردن قدرت در عراق و به نام دولت قانونی عراق و تمامیت ارضی آن، پرچمی است که دولت عبادی بدست گرفته است و به این اعتبار مخالفت با طرح بارزانی مبتنی بر استقلال کردستان در این توازن امری بدیهی است. در همین راستا امروز بحث تصرف شنگال توسط دولت عراق مطرح است. بارزانی متکی به همپیمانی خود با ترکیه

و عربستان و همزمان دولت جدید آمریکا به رهبری ترامپ است. اما روی زمین سفت در عراق نه ترکیه و عربستان که ایران حاکم است.

به هر حال به هر میزان که توازن به نفع ایران و به این اعتبار به نفع دولت عبادی بچرخد، فشار به اپوزیسیون جمهوری اسلامی، اعمال محدودیت کامل و حتی طرح خلع سلاح آنها، نه تنها دور از ذهن نیست بلکه امری واقعی است. تصور اینکه در عراقی که جمهوری اسلامی در آن دست بالا را داشته باشد، در عراقی که موصل را به کمک بقیه از دست داعش درآورده اند و خطر داعش حاشیه ای شده است، تحمل اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در گوشه ای از آن، علیرغم قبول محدودیت هایی چون عدم مبارزه نظامی علیه ایران، بخصوص با توجه به تلاش عربستان در ایندوره برای کشیدن جنگ نیابتی به کردستان و کشمکش های ایران و ترکیه و حساسیت کردستان از این زاویه، دور از ذهن است.

به همه این دلایل این دوره با دوره قبل تفاوت جدی دارد و تسمای دوره جدیدی است. اینکه چه جدالهایی بعد از "آزادی" موصل دامنگیر مردم عراق خواهد شد و چه مخاطراتی زندگی آنها را تهدید میکند، چه جنگهای قومی و مذهبی و... راه خواهد افتاد و دولتهای مرتجع منطقه از دولت عراق و بارزانی و طالبانی تا ایران و ترکیه و عربستان و متحدین منطقه ای و جهانی آنها چه خواهند کرد و آینده کل خاورمیانه و از جمله عراق به کجا خواهد کشید را باید جایی دیگر صحبت کرد. اما مخاطراتی جدی و واقعی اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق را تهدید

میکند و نباید آنرا نادیده گرفت.

حکمتیست: اخیرا احزاب مستقر در کردستان عراق اجلاسی در اربیل داشته اند و ظاهرا یکی از مباحث آنان در مورد این تهدیدات بوده است. همچنین با سفر مسعود بارزانی به ایران، این دسته از احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق انتظاراتی را از بارزانی در دفاع از موجودیت شان در مقابل جمهوری اسلامی مطرح کرده اند. چقدر این توقعات از بارزانی بجاست؟

خالد حاج محمدی: اینکه این احزاب نشست هایی داشته اند و در مورد تهدیدات جمهوری اسلامی و از جمله وجود طرح خلع سلاح آنها و راه یافتن آن به مجلس عراق صحبت کرده باشند، امری طبیعی است. بالاخره این تهدیدات علیه کل این جریان است. در این زمینه خود رهبران و نمایندگان این احزاب اظهار نظرهایی کرده اند.

ظاهرا یک نشست ویژه که با ابتکار موسسه ای به نام "میری" که مربوط به جریان بارزانی است، ترتیب داده شد و در این نشست سه جریانی که زیر نام کومه له فعالیت دارند، همراه با هر دو شاخه حزب دمکرات و "خه بات"، را جمع کرده اند و در این مورد تدبیر و رایزنی شده است. در این نشست ها با توجه به تخصصات بارزانی و پ ک ک، بعضی گروههای متحد پ ک ک در ایران حذف شده اند.

اجازه بدهید در مورد سفر بارزانی و همزمان توقعاتی که این جریانات هم بیان کرده اند چند نکته را بیان کنم.

اشاره کردم که تلاش برای تعیین تکلیف عراق و سهم نیروها و

دولتهای درگیر در بحران خاورمیانه و در جنگ موصل در جریان است. کل احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه بر اساس منافعی که هر کدام دارند در قطب بندیهای شکل گرفته، به یکی از آنها متصل هستند. بارزانی و مثلا حزب دمکرات کردستان ایران (جناح مصطفی هجری) قطب عربستان- ترکیه هستند و جریان طالبانی و پ ک ک متحد قطب روسیه و ایران. جمهوری اسلامی در عراق دست بالا را دارد و حتی در مناطقی از کردستان عراق که تحت حاکمیت جریان طالبانی و ... است باز موقعیت برتری دارد. دعوت از بارزانی به ایران قطعا بخشی از تلاش جمهوری اسلامی برای معامله با او و ایجاد توافقی است. اینکه چنین توافقی چه هست و نیست و آیا توافقی صورت میگیرد یا نه را باید دید. اما اینکه ایران از موقعیت قوی خود در عراق به عنوان اهرم فشار استفاده کرده و تلاش کند با فشار آوردن به جریان بارزانی، دامنه نفوذ عربستان و ترکیه علیه خود را در کردستان عراق مهار کند، امری طبیعی است.

همچنانکه اشاره کردید توقعی که احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی در مقابل بارزانی طرح کرده اند، تن ندادن او به مطالبه ایران علیه آنها است. طرح چنین توقعی از طرف این جریانات بخصوص با توجه به سابقه احزاب ناسیونالیست کرد در عراق و بویژه معامله گری حزب بارزانی در بهترین حالت حاکی از توهمی است که به این جریان دارند. توهم و بخشا نزدیکی جنبشی که مجموعه این جریانات با احزاب حاکم در کردستان عراق، روابط حسنه با این احزاب تا همین امروز لطمات جدی را به مبارزه مردم چه در کردستان عراق و چه کردستان ایران زده است. امروز این توهم میتواند لطمات جدی تری را به خود این جریانات و به نیروهایشان را بدنبال داشته باشد.

در دنیای واقعی بارزانی و کل احزاب حاکم پرونده سیاهی از معامله گری، بازیچه ارتجاع جهانی و منطقه ای شدن را دارند و امروز هم بر اساس منافع زمینی خود و هر گاه این منافع ایجاب کند، حاضر به هر معامله ای به قیمت خلع سلاح اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کردستان عراق هستند. بحث این نیست که فوری پای چنین خواستی خواهند رفت، نکته این است اگر منافع احزاب حاکم بر کردستان عراق ایجاب کند حاضرند در هر توطئه ای علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی شریک شوند. احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق تاریخ سیاهی در این زمینه دارند. به این اعتبار امید اپوزیسیون جمهوری اسلامی به بارزانی و طالبانی به هر دلیل که باشد، یک توهم و همزمان اعتبار دادن دوباره به این جریانات در میان مردم محروم هم در عراق و هم در ایران است.

متأسفانه احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی تا کنون و علیرغم تهدیدات مکرر رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی و امروز دولت عراق، نسبت به آیند خود و نیرویی که دارند، بسیار گام به گام و از امروز به فردا حرکت میکنند و این بشدت نگران کننده است.

ما اعلام کردیم که باید بدون کمترین توهمی به "نیت خیر" احزاب کردی در کردستان عراق، از حالا آماده مقابله با این تعرض شد. تنها فشار از پائین میتواند مانع معامله گری احزاب ناسیونالیست کرد و جمهوری اسلامی شود، نه از طریق مخفی کردن آن، نه از طریق دیپلماسی و رایزنی با مقامات دولت اقلیم و احزاب بارزانی و طالبانی یا عراق بلکه با بسیج مردم چه در ایران و چه عراق به مقابله با این طرح رفت. باید نسبت به ترفندها و توطئه های دیگر جمهوری اسلامی در نا امن کردن کردستان عراق برای اپوزیسیون هوشیار بود.

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

دردانگی بی جهت قانون کار

مصطفی اسرپور

هر سال در فاصله بهمن و اسفند ماه همزمان با فصل تعیین دستمزدهای سالانه تب قانون کار در فضای کارگری در ایران بالا میگیرد. این یک "تب" و یا یک عطف توجه به یک درد و زخم اجتماعی نیست، این یک عاشورای کارگری است. در مناسک بشدت آگاهانه و بدقت مهندسی شده تمام گوشه و کنار آن جامعه به تسخیر تعزیه خوانی های "کارگران مظلوم" درمیاید. در این عاشورا نیازی به داستان پردازی نیست، آن جامعه خود آن مالیخولیا را در خود دارد. با باز کردن لای درب آرشبو خبرگزاری کار ایران و فقط یک فصل از شرح چگونگی سوانح محیط کار، قراردادهای موقت، بیکارسازیها، بازنشستگی، بیمه ها و دستمزدها؛ هر یک کافی است تا از داستان دشت نینوا یک شوخی در تاریخچه ظلم و قساوت بسازد. اما این شوخی زمانی به اوج خود میرسد که یکی پس از دیگری از مقامات و روسای ادارات و مجلس تا قاضی و زندان بان

بعنوان "شهید"، و بعنوان منجی پشت دوربین و بالای منبر ظاهر میشوند! دست آخر قانون کار در لباس طفل همیشه معصوم، دردانه مشترک همه طرفین نبرد، خود را نمایان میسازد تا در اختتامیه نمایش اعلام بدارد که مردم تخت و تبق جمع کنند، وقت کار است و تا سالی دگر آتش همان و کاسه همان. فلسفه فصل مذاکرات دستمزدها علی الاصول دامن زدن به اعتماد در طبقه کارگر، تقویت انگیزه کار و قانون گرایی باید باشد. در ایران نه بالماسکه ای به جریان می افتد و نه کسی به صرافت دفاع از قانون کار می افتد. دقیقاً بر عکس. در فاصله فصل تعیین دستمزدها مدیای رسمی حکومتی با همه ظرفیت قابل تصور به پمپاژ خبرهای مربوط به تبعیض، فقر، تبعیض، زورگویی و تباهی طبقاتی علیه کارگران همان جامعه مشغول میشوند. افشاگری از هر گونه معنای خود تهی میگردد. امسال بیش از هر سال دیگر فرسنگها قبل از مشخص شدن دایره چانه زنی

ها، وزیر کار همه نمایش را به سخره گرفت که ۳۰۰ در صد افزایش دستمزدها هنوز جوابگوی خط فقر نیست. فصل مذاکرات دستمزدها، فصل باز شدن سفره درد دلهای صاحب منصبان، فصل دست بالا پیدا کردن ول واپسان، فصل بارش نور بر وجدان کسانی است که جبار بزنند این حکومت نه میتواند و نه میخواهد بحران را حل کند، جبار بزنند بازی با ارقام افزایش دستمزدها هر چه باشد دهها منفذ دیگر برای دزدیدن دستمزدها از جیب کارگر، محروم ساختن بخش عظیم طبقه از همان دستمزدهای بظواهر قانونی برقرار خواهد بود.

اسفند ماه امسال طبقه کارگر در حالی به نمایش تعیین دستمزدها پا گذاشت که افزایش اعلام شده سال قبل تر در طول نخستین ماه سال تاب تورم و گرانی را نیاورد، سال گذشته سال "کشف" گورخوابی ها در یکی پس از دیگری شهرهای ایران بود، سال گذشته سال شلاق زدن معدنچیان و سال حمله به اجتماعات کارگری نیز بود.

تا آنجا که به خود جمهوری اسلامی مربوط باشد قانون کار از یک ابزار حکومت بغایت ضد کارگری در عین

حال به یک دردانه سرگرم کننده تبدیل شده است. قانون کاری که کار قراردادی را ممنوع میسازد، دستمزدها متناسب با خانواده چهارنفره به انضمام حق مسکن و بیمه بیکاری را تضمین میکند ولی لایق ترین وزیر کار با رئیس جمهورش فخر مدیریت بر توده کارگر با ۹۹ درصد قرارداد موقت و دستمزدها برابر زیر خط فقر را میفروشند؛ مجلس شورای اسلامی مرکز توطئه بالا کشیدن حق بیمه کارگران است؛ وزیر اطلاعات هم شب تا صبح در اسارتگاه کارگرانی که در "اعتصابات قانونی" و اجازه شخصی وزیر کار شرکت جسته اند ضربات شلاق را میشارد؛ و تنها خبرگزاری کار مملکت از انتشار فیلم و عکس کرور کرور کارگران دست بگیربان با فقر و تباهی و ناامیدی سر از پا نمیشناسد؛ با این حال بخش عظیم نیروهای سیاسی کماکان خواهان اجرای قانون کار هستند! مهمتر اینست که خواهان اجرای قانون کار توسط خود دولت میباشند!

برای جمهوری اسلامی و برای بورژوازی ایران قانون کار چیزی بیشتر از یک ابزار برای سر دواندن کارگر نیست. توهم به یک جمهوری

اسلامی که گویا دستمزد شایسته و یک زندگی امن برای طبقه کارگر آنهاست در همراهی با مذاکرات نمایندگانش هر سال یکبار محاسبه و تقدیم خواهد داشت زیادی بچگانه است. بچه گانه تر آن جریاناتی هستند که فهم کارگر را کماکان منوط به یک دوره، یک مرحله، از مبارزه اقتصادی در چهارچوب اجرای همین قانون میدانند. تا آنجا که به طبقه کارگر مربوط میشود "خواست اجرای قانون کار" اگر زمانی رگه هایی از ته مانده توهم را با خود حمل میکرد، سالها است که این خواست تبدیل به یک سم شده است. کسی که امکان تحقق بخشی از مطالبات کارگری را از کانال مجلس و وزارت کار و انجمن صنفی و دولت و این حکومت ممکن میدانند دوست کارگران نمیتوانند باشد. امروز با پرچم "نه به قانون کار" چیزی جز انبانی از چرک و کثافت و تحقیر و سر دواندن را از دست نخواهد داد. مبارزات فعلا موجود کارگری با در دست گرفتن دو خواست محوری یعنی افزایش دستمزدها و بیمه بیکاری میتواند شالوده یک قانون کار طبقاتی کارگری را به ارمغان بیاورد.

پیشانی حکمت‌پژوهی

حکمت‌پژوهی

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی! نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!